

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق گرایش خصوصی

خسارت تأخیر تأدیه در نظام حقوقی ایران

مؤلف:

سیما جعفری کیا

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا امیر محمدی

استاد مشاور:

دکتر علی عارفی مسکونی

خرداد ماه ۱۳۹۴



این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط درجه کارشناسی ارشد به

بخش حقوق

دانشکده حقوق و الهیات

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو: سیما جعفری کیا

استاد راهنما: دکتر محمدرضا امیر محمدی

استاد مشاور: دکتر علی عارفی مسکونی

دور ۱: دکتر علی رفیعی مقدم

دور ۲: دکتر حمید بهرامی احمدی

نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاع: دکتر

معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

تقدیم:

به محضر عالی پدر و مادر بسیار مهربان و دلسوزم و تمامی آموزگاران و اساتید گرانقدر و ارجمندم

که جهت پرورش و شکوفایی استعدادهایم صمیمانه تلاش نموده اند.

تقدیر و تشکر:

بر عهده خود می دانم که مراتب تقدیر و تشکر خود را به محضر عالی استادان عزیزم: دکتر بهرامی، دکتر رفیعی مقدم، دکتر احمدپور، دکتر حیدری، دکتر صالحی، دکتر دبستانی، دکتر شهبواری، دکتر مراد زاده، دکتر روح الامینی که نه تنها درس حقوق بلکه درس زندگی به من آموخته اند و همچنین دکتر امیرمحمدی و دکتر عارفی که با راهنمایی ها و مشاوره های بسیار ارزشمند و عالمانه خود مرا در تهیه و تدوین این پایان نامه یاری کرده اند، تقدیم نمایم.

چکیده

در مواردی که موضوع تعهد پرداخت مبلغی پول در موعد معینی باشد و متعهد از پرداخت بدهی خود در آن موعد خودداری کند و در نتیجه به دلیل این تأخیر خسارتی به متعهدله وارد شود، طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین ماده ۲۲۸ قانون مدنی متعهد موظف به جبران خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه دین می باشد.

ممکن است این شبهه پیش آید که خسارت تأخیر تأدیه یکی از مصادیق رباست. زیرا که در هر دو مبلغی بیش از آنچه که داده شده است، دریافت می شود؛ در حالی که باید گفت خسارت تأخیر تأدیه و ربا تفاوت‌های اساسی و ماهوی ای با هم دارند و نمی توان آن دو را یکی دانست؛ زیرا در موردی که متعهد به علت تأخیر در تأدیه دین خود، مبلغی اضافی را می پردازد در حقیقت این مبلغ اضافی به علت تورم روزافزون و کاهش قدرت اقتصادی پول، برای جبران این کاهش ارزش می باشد و به عبارتی مبلغ اضافی ای که پرداخت می شود، همان دین اصلی است و نه بیش از آن. هر چند که مبلغ افزایش یافته باشد متعهد باید معادل همان قدرت خریدی را که دریافت کرده است به متعهدله پردازد و نه صرف مبلغ اسمی و عددی دین را. بنابراین منشأ خسارت تأخیر تأدیه، تورم و کاهش ارزش پول می باشد. به همین علت هم به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت عدم تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه نیست. براساس آنچه گفته شد به نظریه شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن دریافت خسارت تأخیر تأدیه ایراداتی وارد است.

گفته شد خسارت تأخیر تأدیه تنها در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت‌ها قابل مطالبه است؛ یعنی مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی جدید برخلاف قانون سابق، نرخ ثابت و مشخص قانونی نیست بلکه مبنای تغییر شاخص قیمت‌هاست. در رابطه با مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه اختلاف نظر وجود دارد. عده ای مبدأ محاسبه را از زمان سررسید می دانند و عده ای دیگر از زمان مطالبه. ولی با توجه به اینکه عدم مطالبه متعهدله در سررسید به معنی رضایت او به تمدید مهلت می باشد، نظر دوم صحیح تر به نظر می رسد.

کلید واژه ها: خسارت تأخیر تأدیه، تعهد پولی، ربا، کاهش ارزش پول، تغییر شاخص قیمت‌ها

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول_ مفهوم ربا و خسارات ناشی از عدم انجام تعهد	۷
مبحث اول- خسارات ناشی از عدم انجام تعهد	۸
گفتار اول- مفهوم خسارت	۸
گفتار دوم- انواع خسارت	۹
گفتار سوم- شرایط مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد	۱۱
بند اول- انقضاء موعد انجام تعهد	۱۱
بند دوم- وقوع ضرر و توجه آن به متعهده	۱۲
الف- وقوع ضرر	۱۳
ب- حدود ضرر قابل جبران	۱۴
بند سوم- مستند نبودن عدم انجام تعهد به علت خارجی	۱۶
الف- قوه قاهره	۱۷
ب- تقصیر متعهده یا شخص ثالث	۲۲
بند چهارم- لزوم جبران خسارت به موجب قرارداد یا عرف یا قانون	۲۴
مبحث دوم- ربا و قلمرو آن	۲۶
گفتار اول_ مفهوم ربا، ادله و فلسفه حرمت ربا و انواع آن	۲۷
بند اول_ مفهوم ربا	۲۷
الف_ مفهوم لغوی ربا	۲۷
ب_ مفهوم اصطلاحی ربا	۲۹
بند دوم_ ادله حرمت ربا در اسلام	۳۰

الف_قرآن	۳۱
ب_سنت	۳۵
ج_اجماع	۳۶
د-بناء عقلا	۳۸
بند سوم-فلسفه حرمت ربا	۳۸
الف-فلسفه حرمت ربا در آیات و روایات	۳۸
ب-فلسفه حرمت ربا از دیدگاه فقها و مفسران	۴۷
بند چهارم-انواع ربا	۴۸
الف-ربای معاملی(معاوضه ای)	۴۸
ب-ربای قرضی	۵۳
گفتار دوم-قلمرو ربا	۵۷
بند اول- ربا در اموال قیمی	۵۸
بند دوم- ربا در اموال مثلی	۶۰
بند سوم- ربا در پول	۶۰
الف-تاریخچه پول	۶۱
ب-ماهیت پول	۶۲
فصل دوم_ مبنا و قلمرو خسارت تأخیر تأدیه	۶۹
مبحث اول-مفهوم خسارت تأخیر تأدیه و مبانی آن	۷۰
گفتار اول-مفهوم خسارت تأخیر تأدیه	۷۰
گفتار دوم-مبانی خسارت تأخیر تأدیه در فقه امامیه	۷۱
بند اول-قاعده لاضرر	۷۳
الف-مفاد قاعده لاضرر	۷۴

- ب- آثار قاعده لاضرر ۷۸
- ج- آیا عدم النفع ضرر است؟ ۸۱
- گفتار سوم- مبانی قانونی خسارت تأخیر تأدیه ۸۴**
- گفتار چهارم- نظریه شورای نگهبان و نقد و بررسی آن ۸۸**
- بند اول- نظریه شورای نگهبان در مورد خسارت تأخیر تأدیه ۸۸
- بند دوم- نقد و بررسی نظریه شورای نگهبان ۹۲
- الف- ایراد شکلی ۹۳
- ب- ایراد ماهوی ۱۰۲
- مبحث دوم- قلمرو خسارت تأخیر تأدیه ۱۰۴**
- گفتار اول- خسارت تأخیر تأدیه در انواع تعهدات ۱۰۴
- بند اول- خسارت تأخیر تأدیه در تعهدات عینی ۱۰۵
- بند دوم- خسارت تأخیر تأدیه در تعهدات فعلی (تعهد به انجام کاری یا خودداری از انجام کاری) ۱۰۷
- بند سوم- خسارت تأخیر تأدیه در تعهدات پولی ۱۱۰
- گفتار دوم- مبدأ و مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه ۱۱۲**
- بند اول- مبدأ محاسبه ۱۱۲
- بند دوم- مبنای محاسبه ۱۱۳
- نتیجه گیری ۱۱۵**
- منابع و مأخذ ۱۱۸**

مقدمه

یکی از موضوعات فقهی حقوقی که امروزه بسیار مورد توجه می باشد و عرصه بحثها و بررسی های متعددی هم قرار گرفته این است که فردی به پرداخت مبلغی پول در موعد مقرر متعهد بوده و در پرداخت آن تأخیر می کند. در این حالت به علت کاهش ارزش پول، طلبکار متضرر می شود و فرد بدهکار موظف است خسارت تأخیر تأدیه را بپردازد. در زبان حقوقدانان معمولاً در مواردی که موضوع تعهد وجه رایج ایران (ریال) باشد، عنوان خسارت تأخیر تأدیه به کار برده می شود و در مواردی که موضوع تعهد کالا، خدمت یا پولی غیر از وجه رایج کشور باشد از خسارت ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد یاد می شود. علاوه بر زیان فردی طلبکار، عدم پرداخت به موقع بدهی برای جامعه نیز آثار سوء فراوانی را به دنبال خواهد داشت که مهمترین آنها سلب اعتماد عمومی، کاهش معاملات مدت دار، سنگین شدن وثیقه ها و ضمانتها در قراردادهای مالی، کاهش حجم مبادلات و در نهایت رکود وضعیت اقتصادی جامعه است.

به همین علت هم بیشتر کشورها سعی بر این دارند که راهکارهایی را جهت جبران اینگونه زیانهای ناشی از تأخیر در پرداخت بدهی ها پیش بینی کنند و این تلاش در قوانین کشورها انعکاس یافته است. در سیستم حقوقی ما نیز در مواردی که تعهد به صورت وجه رایج باشد و البته منشأ این تعهد می تواند اعم از عقد قرض یا هر عقد دیگری و یا حتی وقایع حقوقی چون غصب و اتلاف باشد، قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نهاد خسارت تأخیر تأدیه را مقرر داشته و مطالبه آن را تابع شرایطی هم قرار داده است.

مسأله دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی سابق در مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ به بعد بیان شده بود. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل حساسیت بسیار مردم و مسئولین نظام نسبت به اسلامی شدن قوانین و تشابه زیاد «خسارت تأخیر تأدیه» با «ربا» که از محرّمات مسلم فقهی است، زمینه بحثهای زیادی پیرامون قوانین مربوطه فراهم شد و تحولاتی صورت گرفت. به طوری که شورای نگهبان این نهاد را مخالف موازین شرعی تشخیص داد و دریافت مبلغی مازاد بر بدهی را باطل اعلام کرد. اما از آنجا که این اظهار نظر شورای نگهبان منجر به سوء استفاده بدهکارانی می شد که در پرداخت بدهی خود تأخیر می کردند. در سال ۶۱ شورای نگهبان دریافت خسارت تأخیر تأدیه را توسط بانکها با نرخ ۱۲ درصد بدهی در سال و با ذکر شرط مربوط به آن در قرارداد تجویز کرد. بدیهی است که این تجویز برای بانکها نوعی تبعیض میان بانکها و سایر اشخاص محسوب می شد و به منظور پایان دادن به این بحثها قانونگذار در سال ۷۹، در قانون آیین دادرسی مدنی جدید در مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ نهاد خسارت تأخیر تأدیه را بیان داشت و با شرایطی آنرا پذیرفت. البته پذیرش مجدد این نهاد توسط قانونگذار قابل توجه نیز به نظر می رسد. چون دریافت مبلغی مازاد بر دین به علت تأخیر مدیون در پرداخت، در حقیقت به علت کاهش ارزش پول از زمان سررسید تا زمان پرداخت است و با توجه به ماهیت پول که اعتباری است، مبلغ اضافی خود دین و اصل آن است و بنابراین متفاوت از رباست و ربا محسوب نمی شود.

لازم به ذکر است که دشوار بودن تأمین نظم اقتصادی در زمان حال، بدون در نظر گرفتن جریمه تأخیر، از یک طرف و مشابهت زیاد دو نهاد خسارت تأخیر تأدیه و ربا و در نتیجه ایجاد شبهه برخلاف شرع بودن این نهاد حقوقی، از طرف دیگر، مرا به بررسی و تحقیق پیرامون این موضوع واداشت.

سوالاتی که به منظور پاسخگویی به آنها این پایان نامه تهیه و تنظیم شده است، عبارتند از:

۱- خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران چیست؟

۲- ماهیت خسارت تأخیر تأدیه تورم است یا عدم النفع؟

۳- مبنای حقوقی خسارت تأخیر تأدیه چیست؟

۴- قلمرو خسارت تأخیر تأدیه تا کجاست؟

در خصوص خسارت تأخیر تأدیه و ارتباط آن با ربا دو دیدگاه عمده وجود دارد: براساس دیدگاه اول، خسارت تأخیر تأدیه ربا به حساب می آید و طبق دیدگاه دوم، خسارت تأخیر تأدیه با ربا تفاوت دارد و بنابراین ربا نیست بلکه جبران کاهش قدرت خرید پول و ارزش اقتصادی آن است.

مبنای نظر طرفداران دیدگاه اول این است که دریافت مبلغی مازاد بر مبلغ اسمی دین، همان رباست زیرا که فرد طلبکار بیشتر از آنچه را که داده است، دریافت می دارد. بنابراین دریافت اینگونه خسارات نامشروع و حرام است و مشمول عنوان ربا قرار می گیرد.

اما مبنای گروه دوم در نظر خود این است که با توجه به افزایش تورم در طول زمان، قدرت خرید و ارزش اقتصادی پول به شدت کاهش می یابد. به گونه ای که ارزش پول مورد تعهد، پس از چند سال به صورت قابل ملاحظه ای کاهش یافته و قدرت خریدی را که در زمان سررسید داشته، در زمان پرداخت ندارد. بنابراین از باب اکل مال به باطل و استفاده نامشروع مدیون، این کاهش ارزش باید جبران شود و دلیلی ندارد فرد بدهکاری که در موعد مقرر دین را نپرداخته و در پرداخت آن تأخیر

کرده است، از قدرت خرید بیشتری بهره مند شود و صرفاً مبلغ اسمی دین را با قدرت خرید بسیار کمتری به طلبکار بپردازد.

در مقام داوری میان این دو دیدگاه باید گفت که دیدگاه دوم با توجه به اینکه با عدالت سازگارتر است، صحیح تر به نظر می رسد. زیرا این خلاف عدالت است که شخص طلبکار که به علت تأخیر مدیون در پرداخت دین خود، از منافع آن پول محروم مانده است. بار دیگر نیز به علت عدم جبران کاهش ارزش پول، متضرر شود. بنابراین متعهد باید معادل همان قدرت خریدی را که بدست آورده، به متعهدله بپردازد.

برای توضیح بیشتر می توان موارد زیر را بیان کرد:

۱- در مواردی که موضوع تعهد پرداخت مبلغی پول در موعد معینی باشد و متعهد از پرداخت به موقع بدهی خودداری کند و در پرداخت آن تأخیر نماید و در نتیجه به متعهدله خسارت وارد شود، متعهد موظف به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه می باشد. خسارت تأخیر تأدیه یکی از اقسام خسارات ناشی از عدم انجام تعهد است که موضوع آن پول (وجه رایج) است. زیرا در اینگونه موارد متعهد از انجام تعهد خود امتناع کرده است و باید علاوه بر تأدیه دین، خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه را بپردازد. البته اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه فقط در مورد تعهداتی که موضوع آنها پرداخت پول است، به کار می رود و در مورد سایر تعهدات اصطلاح خسارت تأخیر در انجام تعهد استعمال می شود. مستند قانونی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است که دریافت خسارت تأخیر تأدیه را تنها در مورد تعهداتی که موضوع آنها وجه رایج ایران می باشد، پذیرفته است.

۲- ماهیت خسارت تأخیر تأدیه تورم است نه عدم النفع. زیرا در اقتصاد کنونی با تورم روزافزون و کاهش بسیار قدرت خرید پول و ارزش آن، متعهدله از تأخیر در تأدیه طلب خود متضرر می شود و با دریافت مبلغ اسمی دین، قدرت خریدی بسیار کمتر از قدرت خریدی که متعهد از آن بهره مند شده را بدست می آورد. لذا متعهد باید خسارت مذکور را پردازد تا ضرر وارده به متعهدله جبران شود.

۳- مبنای خسارت تأخیر تأدیه، قاعده لاضرر می باشد. این قاعده علاوه بر نفی حکم، اثبات حکم نیز می نماید. به این صورت که نه تنها نباید به دیگری ضرری وارد شود بلکه اگر ضرری وارد شد، باید جبران شود و هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. بنابراین در موردی که متعهد دین خود را در موعد مقرر نمی پردازد و موجب متضرر شدن متعهدله می شود، باید این ضرر را جبران کند. زیرا حکم به عدم ضمان، حکمی عدمی و موجب ضرر است که طبق قاعده لاضرر، این حکم نفی می شود و بنابراین این حکم عدمی مستلزم حکم وجودی جبران ضرر می باشد و ضرر باید جبران شود. همچنین در خصوص مبنای قانونی خسارت تأخیر تأدیه باید گفت این موضوع در بسیاری از قوانین و مقررات کشور وجود دارد: از جمله ماده ۲۲۸ قانون مدنی، مواد ۵۱۵ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۳۰۴ قانون تجارت در خصوص خسارت تأخیر تأدیه در برات و ماده ۱۲ قانون صدور چک اصلاحی ۸۲.

۴- خسارت تأخیر تأدیه تنها به حالتی که موضوع تعهد پرداخت مبلغی پول باشد، اختصاص ندارد بلکه همه تعهداتی را که در آنها متعهد در انجام تعهد تأخیر می نماید و از این جهت ضرری به متعهدله وارد می شود، در برمی گیرد اما به علت ماهیت خاص و ویژه پول، مقررات حاکم بر خسارت تأخیر تأدیه پول جنبه استثنایی دارد و به همین دلیل هم در نوشته ها و متون حقوقی، اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه

صرفاً به موردی که موضوع تعهد پول باشد اختصاص دارد و در مورد سایر تعهدات اصطلاح خسارت تأخیر در انجام تعهد استعمال می شود.

این پایان نامه در دو فصل تنظیم شده است. در فصل اول، به مفهوم خسارت، انواع آن، شرایط مطالبه خسارات ناشی از عدم انجام تعهد، مفهوم لغوی و اصطلاحی ربا و انواع آن، ادله حرمت ربا و فلسفه و قلمرو آن خواهیم پرداخت.

در فصل دوم، مفهوم خسارت تأخیر تأدیه، مبانی فقهی و قانونی آن، نظریه شورای نگهبان، قلمرو خسارت تأخیر تأدیه و مبدأ و مبنای محاسبه آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول

مفهوم ربا و خسارات ناشی از عدم انجام تعهد

با توجه به اینکه خسارت تأخیر تأدیه یکی از انواع خسارات ناشی از عدم انجام تعهد است، لذا در مبحث اول به خسارات ناشی از عدم انجام تعهد خواهیم پرداخت و به علت شبهات فراوان موجود و اینکه عده ای خسارت تأخیر تأدیه را ربا می پندارند و دریافت آن را حرام و نامشروع می دانند. در مبحث دوم، مفهوم ربا، فلسفه و ادله حرمت ربا و قلمرو آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبحث اول- خسارات ناشی از عدم انجام تعهد

در صورتی که در اثر عدم انجام تعهد یا تأخیر در آن خسارتی به متعهدله وارد شود، وی می تواند آنرا از متعهد مطالبه کند. زیرا خسارت مزبور در اثر عدم انجام تعهد در موعد مقرر متوجه متعهدله شده است و طبق قاعده عقلی، هر کس به دیگری ضرری وارد آورد باید آنرا جبران کند. لذا متعهد باید خسارات وارده را به متعهدله بپردازد. به منظور روشن تر شدن مطلب در مبحث جاری، ابتدا در گفتار اول، مفهوم خسارت، در گفتار دوم، انواع خسارت و در گفتار سوم، شرایط مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد که خود به چند بند تقسیم می شود، بررسی خواهد شد.

گفتار اول- مفهوم خسارت

در لغت خسارت به معنی ضرر کردن، زیان بردن و زیانکاری است. اما در اصطلاح حقوقی خسارت به دو معنی به کار رفته است: ۱- خسارت به معنی زیان و ضرر وارد شده ۲- خسارت به معنی جبران زیان وارد شده. همانطور که در ترمینولوژی حقوق هم لفظ خسارت به همین شکل معنا شده است و در بردارنده دو معنی فوق می باشد.^۱ علاوه بر حقوقدانان که همه، لفظ خسارت را در معنای اصطلاحی

^۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر بنیاد راستاد، (بدون نوبت چاپ)، ص ۲۶۰.

خود به کار می برند. در عرف نیز خسارت، در معانی اصطلاحی خود استعمال می شود. البته لازم به ذکر است که معمولاً به جای خسارت به معنی اول از الفاظی چون ضرر و زیان استفاده می شود و به جای خسارت به معنی دوم، لفظ غرامت کاربرد دارد.

در قانون مدنی نیز، همین تفکیک به طور ضمنی از سوی قانونگذار صورت گرفته است. به این صورت که هر جا قانونگذار از خسارت ناشی از عدم ایفاء تعهد یا جبران خسارت بحث می کند، کلمه را در معنای اول به کار برده است (مثل ماده ۲۲۱ قانون مدنی) و هنگامی که از چیزی که برای جبران ضرر باید تأدیه شود سخن می گوید، معنای دوم را اراده کرده است (ماده ۲۲۶ قانون مدنی).^۱

خسارت در معنای نخست یعنی ضرر وارده خود بر دینوع است. گاهی به این صورت است که ضرر وارده به صورت مادی (نه در مقابل معنوی) است که آنرا خسارت مثبت می نامند و گاهی خسارت به صورت تفویت منفعت احتمالی است که به آن عدم النفع یا خسارت منفی گفته می شود. پس به عبارتی خسارت یا ضرر است یا عدم النفع.

گفتار دوم-انواع خسارت

خساراتی که به متعهدله وارد می شود، از جهت منشأ به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- خسارت ناشی از عدم انجام تعهد

۲- خسارت ناشی از تأخیر در انجام تعهد

۳- خسارت تأخیر تأدیه

^۱. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، نشر طه، چاپ اول، ص ۱۱۱.

۱- خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در مواردی است که متعهد از انجام تعهد امتناع می نماید و تعهد یا به علت فسخ قرارداد توسط متعهدله، ساقط می شود و یا به علت اینکه انجام تعهد به صورت وحدت مطلوب بوده، به طوری که انجام تعهد در خارج از این موعد مورد نظر متعهدله نبوده است، قابلیت اجرا ندارد و در نتیجه، در اثر عدم انجام تعهد خسارتی به متعهدله وارد می شود که متعهد ملزم به جبران آن می باشد.

۲- در صورتی که برای انجام تعهد موعدی مقرر شده باشد و یا اختیار موقع انجام تعهد به متعهدله واگذار شده باشد و متعهد در موعد مقرر تعهد را انجام ندهد و یا با وجود مطالبه متعهدله، در انجام تعهد تأخیر نماید و در اثر این تأخیر، خسارتی به متعهدله وارد شود. متعهد علاوه بر اجرای تعهد، به جبران خسارت وارده نیز ملزم می باشد.^۱

۳- هرگاه موضوع تعهد، پرداخت مبلغی پول در موعد مقرر باشد و متعهد از پرداخت به موقع بدهی خود امتناع ورزد و پرداخت آن را به تأخیر اندازد و از این جهت خسارتی به متعهدله وارد شود، به موجب ماده ۲۲۸ قانون مدنی حاکم می تواند با رعایت ماده ۲۲۱ قانون مدنی مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید. این خسارت، خسارت تأخیر تأدیه نامیده می شود و به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و با مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می شود، آن را محاسبه و مورد حکم قرار می دهد.

^۱ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، نشر کتابفروشی اسلامیة، جلد ۱، چاپ چهاردهم، ص ۲۳۹.

گفتار سوم- شرایط مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد

برای مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، شرایطی لازم است که در مواد ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی مطرح شده اند که عبارتند از: ۱- منقضی شدن مدت انجام تعهد ۲- ورود ضرر به متعهد له ۳- مستند نبودن عدم انجام تعهد به علت خارجی و ۴- تصریح به لزوم جبران خسارت در قرارداد، عرف یا قانون. هر یک از این شرایط ذیل یک بند مورد بررسی قرار می گیرند.

بند اول- انقضاء موعد انجام تعهد

لازم است موعدی که جهت اجرای تعهد پیش بینی شده، منقضی شده باشد تا متعهدله بتواند از متعهد مطالبه خسارت عدم انجام تعهد نماید. این موعد می تواند به یکی از حالت‌های زیر باشد:

حالت اول- در قرارداد موعد تعیین شده باشد. در این حالت طرفین توافق می کنند که در تاریخ مشخصی متعهد به تعهد خود عمل کند یا اینکه مدتی را جهت انجام تعهد در نظر می گیرند (مثلاً شش ماه از زمان انعقاد عقد).

بنابراین بدیهی است که مطالبه خسارت باید پس از انقضاء موعد و عدم انجام تعهد صورت گیرد. ماده ۲۲۶ قانون مدنی در این خصوص بیان می دارد: «در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی تواند ادعای خسارت نماید مگر اینکه برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد...».